

کاربرد روش بحث‌های گروهی متمرکز^۸ در پژوهش نواحی نابسامان شهری

علیرضا محمدی

عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه محقق اردبیلی

نشانی پست الکترونیک: a.mohammadi@uma.ac.ir

چکیده

در این نوشتار با استناد به پژوهش‌های تجربی و برخی از اسناد مکتوب، روش بحث‌های گروهی متمرکز را به دلیل کاربرد آن در پژوهش نواحی نابسامان و غیررسمی شهری، معرفی و بحث شده است. در ادامه، محتوا و اجزای کلیدی روش بحث گروهی بیان شده است. همچنین اهداف، گام‌ها و روش برگزاری یک جلسه بحث گروهی، مزیت‌ها و کاستی‌ها، بایدها و نبایدها و چالش‌های این روش منعکس شده‌اند. سرانجام با توجه به اهمیت ساماندهی کالبدی و غیر کالبدی این سکونتگاه‌ها، پیشنهادهایی برای تأثیرگذاری کاربرد این روش، در سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های ساماندهی نواحی نابسامان و غیررسمی شهری ارائه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت و برنامه‌ریزی، نواحی نابسامان و غیررسمی، روش بحث‌های گروهی متمرکز، اجتماع محلی.

۱- مقدمه

توسعه محله‌ای و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تا حد زیادی به سیاست‌های ملی و محلی متکی است. به طور روشن در وضعیت موجود، تصمیم‌گیری برای توسعه و ساماندهی محلات، در عمده برنامه‌ها و سیاست‌های کشور، روندی از بالا به پایین است و تحت چارچوب‌های اداری و بخشی و فرمایشی انجام می‌پذیرد. در مورد سکونتگاه‌های نابسامان و غیررسمی شهری، وضعیت به شکل ملموس‌تری مشهود است و نابسامانی در ساختار نهادی و اجرایی ساماندهی سکونتگاه‌ها در سطح محلی وجود دارد. این مسئله را به طور خلاصه می‌توان ناشی از موارد ذیل برشمرد:

۱- مجموع سیاست‌ها و برنامه‌های شهری، متکی بر درآمدهای ملی در حوزه عمومی است و این مسئله در بلندمدت نقش و وظیفه‌ای را برای شهروندان ساکن در این محلات تعریف نکرده است. آنها در جایی که دولت پا به عرصه می‌گذارد، انتظار اقدام یک سویه دولتی را دارند. چرا که دولت را غایب و یا موظف و مسئول در قبال زندگی خود می‌دانند؛ و البته این اشاره را داشته باشیم که سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند سیاست‌گذاری دولتی هستند. از این رو ظرفیت‌سازی اجتماع‌محور که بر مبنای نیازها و توان‌های محلات باشد در طولانی مدت شکل نگرفته است.

۲- مشارکت مردم در ساخت و بهسازی سکونتگاه تا حد زیادی مستقل و خود انگیخته بوده است و در این مدت دولت هم عمدتاً در بخش زیرساخت‌ها و خدمات نقش داشته است. از این رو امروز بحث از مشارکت مردم و دولت، در سکونتگاه‌های غیررسمی مسئله اصلی نیست که برخی از پژوهشگران بر آن اصرار دارند. بلکه مسئله، تعریف اهمیت، نوع، زمان، مکان و سهمی است که هر کدام از عناصر باید در آن مشارکت و حضور داشته باشند.

۳- مشارکت مردم تا حد زیادی از نقشه ذهنی آنها در مورد جریان‌های تاریخی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. تجارب ناموفق از مداخلات بخش دولتی، ذهنیت‌های نادرستی را در میان شهروندان به وجود می‌آورد. از سوی دیگر در عمده سکونتگاه‌های غیررسمی قوانین اجتماع محلی متفاوت از

۸ - Focus Group Discussions

این روش با عنوان جلسات گروه‌های کانونی، بحث‌های مردمی، بحث‌های موضوعی و موارد مشابه نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در این نوشتار ترجمه مستقیم آن حفظ شده است. همچنین، ناحیه بر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فضاها و مکان‌های شهری اشاره دارد و صرفاً موید ویژگی‌های کالبدی نمی‌باشد.

قوانین رسمی است. مغایرت‌های زیادی بین نیازهای اجتماع محلی و قوانین وضع شده در طرح‌های توسعه شهری وجود دارد. از این رو همواره تضادی بین عملکرد اجتماع محلی و قوانین رسمی وجود دارد که در بسیاری موارد عناصر دخیل در توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی را روبروی هم قرار می‌دهد.

۴- هنوز ساختار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسبی در خصوص ساماندهی محلات نابسامان غیررسمی در سطوح محلی شکل نگرفته است و نیز زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی و اجرایی مستقل و پایداری در آنها شکل نگرفته‌اند. بخشی از آن به اقتصاد سیاسی شهر و نبود الزامات اقتصادی برای ساماندهی این محلات مربوط می‌شود. آنها فاقد شرایطی هستند که در بافت‌های مرکزی فرسوده شهرها از طریق اعیان‌سازی حاصل می‌شود. از این رو همواره پشتیبانی دولتی برای ایجاد عدالت در توسعه و به ویژه بخش خدمات و مسکن، ضروری هست. با این وجود، در این محلات، نهادهای محلی اجرایی (دفاتر برنامه‌ریزی) با برنامه‌های اجرایی، غایب و یا فاقد پشتوانه‌های مالی و قانونی و اجرایی‌اند.

۵- برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌های نابسامان، دستخوش سلیقه‌ها و تصمیمات مدیران در سطوح مختلف مدیریتی است و نیز متکی بر جریان‌های سرمایه‌گذاری دولتی است. از این رو برترین طرح‌ها نیز در تغییرات مدیریتی و تصمیمات دوره‌ای و نبود تعهد و خواست سیاسی^۹، پایدار نیستند. ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند اراده مسئولان محلی و شکل‌گیری نهادهای توسعه محلی با حمایت‌های ملی و محلی و انگیزه‌هایی فراتر از منافع فردی و اقتصادی است. از طرف دیگر، متأسفانه منافع فردی و یا گروهی و نیز بی‌ثباتی مدیریت‌های محلی، بر ناپایداری اقدامات می‌افزاید. با هر تغییری نگاه به مسئله نیز عوض می‌شود.

۶- اغلب طرح‌هایی که برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه می‌شود، تسلط تفکرات طرح تفصیلی است. استانداردهای طراحی شهری که اغلب در طرح‌های آماده‌سازی ارائه می‌شوند، در مورد این محلات نیز به یکسان به کار می‌روند. در حالی که تغییرات به سادگی در این سکونتگاه‌ها ممکن نیست و هر خطی که در آتلیه‌ای ترسیم می‌شود، زندگی خانوارهای کم‌درآمد زیادی را تهدید می‌کند. به ویژه آنکه اگر با تمایل و استطاعت گروه‌های کم‌درآمد در تضاد باشد، اجرای آن‌ها ناممکن است. از این رو طرح‌هایی که با تقاضا، خواست و توان انطباق اجتماع محلی تهیه نمی‌شوند، همواره شکست می‌خورند. به ویژه آنکه، بحث‌های مالی طرح‌ها بدون حضور و حمایت دولتی، همواره نقطه عطف برای موفقیت و یا شکست طرح‌ها است. از سوی دیگر، هنوز تکلیف و جایگاه این طرح‌ها در برنامه‌ریزی‌های توسعه مشخص نشده است. حتی شاخص‌های تعریف آنها و تمایز آنها با بافت‌های فرسوده شهری مشخص نیست. در اغلب موارد برای سکونتگاه‌های غیررسمی طرح‌هایی تهیه می‌شوند که همپوشانی دارند. در نتیجه تکلیف اجتماع محلی را روشن نمی‌کنند.

۷- مطالعات سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور بدون هدف و برنامه راهبردی مشخص در سطح شهرها دنبال می‌شود و بیش از آنکه بر فرآیند و ساختار و نهادسازی در سطح محلی متمرکز باشد، به عرصه رقابت بین نهادها برای گرفتن ردیف بودجه و یا رفع تکلیف تبدیل شده است. در نهایت ساختار انعطاف‌ناپذیری شکل گرفته است که محدود به تصمیم‌گیری‌های گروهی و یا فردی شده است.

۸- بخشی از مسئله نیز به نبود نهادهای تخصصی پژوهشی و یا عدم حمایت از آنها باز می‌گردد. بسیاری از پژوهش‌های حرفه‌ای در زمینه پژوهش نواحی نابسامان به مهندسان مشاور سپرده می‌شود که اغلب نگاه مالی به طرح‌ها داشته غیربومی هستند (اغلب در تهران مستقرند) و با نظارت جدی بر کار آنها در محل وجود ندارد. در مواردی نیز عکس قضیه صادق است. مسئولان محلی اعتقاد و یا تعهد کافی در قبال سکونتگاه‌های غیررسمی ندارند و این احساس وجود دارد که پرداختن به این محلات اقتصادی نیست.

۲- رویکرد نظری

مادامی که شهرنشینی به عنوان یک شیوه زندگی وجود دارد، نابرابری و تفاوت، ذاتی توسعه سامانه‌های شهری است. سکونتگاه‌های نابسامان و غیررسمی شهری را می‌توان بخشی از این واقعیت پذیرفت و آن را شیوه خاصی از زندگی دانست که بخشی از جمعیت شهرنشین در مرحله‌ای از زندگی خود و یا برای همیشه تجربه می‌کنند. به دلیل محدودیت و نبود نظام‌های دربرگیرنده برنامه‌ریزی محلی برای سرپناه، خدمات و فرصت‌های توسعه، آنها نیاز به تسهیل‌گری و در مواردی حمایت دولتی‌اند.

نیاز است سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه این سکونتگاه‌ها، بر مبنای اصولی باشد که قصد یکسان‌سازی و استانداردسازی یکباره این شیوه با نحوه زندگی در بخش‌های پیشرفته شهری را ندارد. تجربه نشان می‌دهد که پیاده‌سازی طرح‌های بلندپروازانه مشابه با بخش‌های پیشرفته شهری با هدف از

میان بردن نابرابری‌ها، یکسان‌سازی استانداردهای محیطی، متناسب با واقعیات موجود در این نواحی شهری نیست و باید توجه داشته باشیم که نظریه‌ها و آرمان‌های شهری ما همواره از واقعیات حاکم بر این نواحی شهری پیشی می‌گیرند. موضوع تنها تغییر دادن ریخت و سیمای زندگی آنها نیست، بلکه موضوع درک نادرستی از شیوه زندگی خاص آنها است. شرایطی که کم‌درآمدها در آن زندگی می‌کنند، سازمانی پیچیده از روابط شبکه‌ای در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی است.

یکی از راه‌های شناخت و درک درست مسائل و مشکلات و حتی راهکارهای کاهش مسائل حاد در این نواحی شهری، پیمایش‌های اجتماعی و از جمله بحث‌های مردمی و انجام مصاحبه‌های عمیق، حول محور موضوعات کلیدی و ریشه‌ای اجتماع محلی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. شیوه‌ای که تا حد زیادی از پیش‌داوری‌های خام در مورد زندگی و برنامه‌های آتی آنها ممانعت نموده و واقعیت‌ها را روشن می‌سازد. روش گروه‌های بحث متمرکز، به آن دسته از ساکنان نواحی نابسامانی که این فرصت را پیدا نکرده‌اند تا از طریق روش‌های رسمی و رسانه‌ای، مسائل خود مطرح کنند، این مجال را به وجود می‌آورد که «داد» و صدای ناگفته‌های شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی زندگی خود را در این سکونتگاه‌ها از طریق تسهیلگران، برنامه‌ریزان و مؤسسات مردم‌نهاد، به گوش مسئولان و متولیان امر برسانند.



شکل ۱- شهر کنارک در استان سیستان و بلوچستان، محله سعیدآباد

(محله کم‌درآمد نشین و بلا تکلیف از نظر توسعه شهری)

عکس از : نگارنده، ۱۳۸۸.

روش «بحث‌های گروهی متمرکز» در سال‌های اخیر، از جمله شیوه‌های متداول در مطالعات این نواحی شهری بوده است. اینکه، این روش تا چه حد توانسته است در اجرای طرح‌ها بر مبنای مشارکت و خواست مردم اثرگذار باشد، هنوز کاملاً بررسی و مورد توجه قرار نگرفته است. لیکن در این نوشتار با تکیه بر یک تجربه، به این مسئله اشاره خواهیم نمود. هدف اصلی نوشتار، دعوت به تفکر در خصوص استفاده از نتایج «بحث‌های گروهی متمرکز» در اجرای طرح‌های ساماندهی سکونتگاه غیررسمی و توسعه اجتماع محلی است.

۳- معرفی روش بحث‌های گروهی متمرکز

واژه «بحث‌های گروهی متمرکز» اشاره به مجموعه اقدامات اندیشیده شده‌ای دارد که در طی آن تلاش می‌شود مسائل، چالش‌ها، انتظارات و پیشنهادهای اجتماع محلی، کشف، تحلیل و نتایج، مستندسازی شود. برخی به اشتباه آن را روش جمع‌آوری داده و آمار می‌پندارند. نتیجه‌شکلی آن، تولید گزارش و سندی جهت استفاده در برنامه‌های توسعه محله‌ای و نواحی نابسامان شهری است. این روش، تلاشی است برای فهم مسائلی که اجتماع محلی بیش از پژوهشگران و مسئولان بر آن آگاهی دارند. تلاشی است برای شنیدن صدای مردم، رساندن نتایج نظرات مردم بدون اعمال سلیقه فردی و گروهی به گوش مسئولان شهر و پیگیری نتایج تا حصول اقداماتی موثر برای توسعه اجتماع محلی و تغییر کیفیت زندگی آنها در سکونتگاه‌های غیررسمی. بحث گروهی متمرکز، یک روش مطالعه کیفی برای ارزیابی و درک مسائل یک گروه از طریق گفتگوهای موضوعی حول مسائل کلیدی است. هدف از آن، تنها رسیدن به یک اجماع و نظر مشترک نیست بلکه روشی برای استخراج دیدگاه‌ها و گرفتن جمع نظرات، پیرامون موضوعاتی است که گروه را گرد هم آورده است. لذا هر گونه تجمع گروهی را نمی‌توان بحث گروهی متمرکز نامید.

برخی از پژوهشگران ریشه پیدایش این روش را، به پژوهش‌های مربوط به اقتصاد و بازاریابی، جلب مشتری و مطالعه نهادهای بازرگانی در قرن بیستم نسبت داده‌اند. لیکن، واقعیت این است که این روش فرزند مجموعه پژوهش‌های علوم اجتماعی است و از حدود ۱۹۴۰ میلادی، در تکننگاری‌های علوم اجتماعی (جغرافیای انسانی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و تخصص در خصوص تشابهات و تفاوت‌های جوامع در محیط‌های مختلف و سایر) به کارگرفته شده است. این روش، از دهه ۱۹۸۰ میلادی در متون مارکسیستی و فمینیستی دوباره زنده شد و با رویکرد جدیدی پا به حوزه پژوهش‌های اجتماعی و شهری گذاشت (Liamputtong, 2011).

در حوزه مطالعات نواحی نابسامان شهری، نهادهایی همانند مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد^{۱۰}، بانک جهانی و دیگر نهادهای فعال در زمینه فقرزدایی شهری دیده می‌شود. عمده ویژگی‌های این روش را می‌توان شامل موارد ذیل برشمرد:

- ۱- پیرامون موضوع یا موضوعات کلیدی تشکیل می‌شود.
 - ۲- عمدتاً محدود به گروهی کوچک متشکل از ۸ تا ۱۲ نفر است. در صورت وجود تعداد زیادی از افراد باید گروه‌بندی انجام گیرد.
 - ۳- نیاز به افراد تسهیلگر و با تجربه در پژوهش کیفی و پیمایش‌های اجتماعی دارد.
 - ۴- به دنبال کشف مسائل و اطلاعات نظری جدید است که از طریق سایر روش‌های کیفی و کمی قابل حصول نیستند.
 - ۵- شرکت‌کنندگان در آن غالباً همگون هستند (جویانی، ۱۳۸۸).
 - ۶- گفتگوها دو طرفه نیست بلکه چندسویه است و فقط تسهیلگران یا مسئولان جلسات نیستند که مخاطب قرار می‌گیرند.
- به طور روشن بحث گروهی متمرکز عبارت از فعالیتی است که در طی آن گروهی از یک جامعه آماری همگن برای بحث در خصوص مسائل کلیدی حول یک موضوع خاص در یک مکان مناسب، برای بحث گرد هم آورده می‌شوند. این گرد هم‌آیی نیاز به برنامه‌ریزی مالی، زمانی و منابع انسانی دارد.

۳-۱- اهداف بحث‌های گروهی متمرکز

در خصوص برگزاری بحث‌های گروهی متمرکز در نواحی نابسامان شهری اهدافی دنبال می‌شود. مهم‌ترین این اهداف را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- ۱- فهم، درک و تفسیر معانی کلمات برای رسیدن به موضوعات راهبردی (Liamputtong, 2011).
- ۲- ممانعت از ناکارآمدی اقدامات منتج ناشی از بکار بردن شیوه‌های برنامه‌ریزی دستوری و متمرکز و از بالا به پایین.
- ۳- کاهش فاصله زمانی اقدامات عملیاتی.
- ۴- توجه به معیارهای اعتماد، مشارکت، مسؤولیت پذیری، توانایی ایجاد وحدت، پاسخگویی، احترام، عدالت و گوش دادن و دوست داشتن در برقراری ارتباط با فقرا (گروه‌های کم درآمد جامعه).
- ۵- کاهش محرومیت‌های ناشی از عدم ابراز عقیده و قدرت بیان و زبان‌آوری (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۵).
- ۶- متمرکز نمودن مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی، برای نیازها و اولویت‌های اجتماع محلی؛

- ۷- ممانعت از هزینه‌های ناشی از ارائه خدمات غیرضروری و ایجاد اطمینان از پایداری اقدامات توسعه در محلات.
 - ۸- افزایش اعتماد در رابطه بین مردم و مسئولان اداره شهر و احساس به حساب آوردن فقرا و شهروند دانستن کم درآمدها در جامعه شهری.
 - ۹- آموختن از مردم برای تهیه برنامه‌ها؛ و کسب اطلاع از عقاید و نظرات متفاوت.
 - ۱۰- تبادل نظرات و ممانعت از به وجود آمدن توقعات و انتظارات خارج از ظرفیت‌ها و اقدامات مدیریت شهری؛ و فایده‌ای جزئی‌تری که از این موارد به دست می‌آید.
- بحث‌های گروهی متمرکز، می‌توانند دانش اجتماعی فراتر از اطلاعات برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران را در خصوص مسائل و مشکلات اجتماعات پیش روی نهند. دلایل بسیاری از مسائل و آگاهی به تمایلات و خواسته‌های اجتماعات از درون این بحث‌ها، قابل دست‌یابی است. به ویژه در نواحی نابسامان شهری، بحث‌های گروهی متمرکز در رده پژوهش‌های شهری اکتشافی قرار می‌گیرند.

۳-۲- گام‌های کلیدی در برگزاری بحث‌های گروهی متمرکز

- ۱- تعیین اهداف و موضوعات کلیدی
 - ۲- شناسایی و تعیین تسهیلگران و مستندسازان آموزش دیده متناسب با ماهیت موضوع بحث گروهی
 - ۳- شناسایی گروه همگن و برنامه اطلاع‌رسانی و دعوت و تثبیت برنامه
 - ۴- تدوین قالب‌های بحث‌نامه
 - ۵- برنامه‌ریزی مکان، زمان، هزینه، نشانی‌ها و برنامه اجرایی بحث
 - ۶- برنامه‌ریزی و هماهنگی برای برقراری امنیت گروه بحث در هنگام برگزاری بحث
 - ۷- برگزاری بحث در بهترین زمان ممکن برای حضور اکثریت گروه
 - ۸- تمرکز بر بحث‌ها و پرسش‌های کلیدی که از روش‌های دیگر نمی‌توان به آن‌ها پاسخی یافت.
 - ۹- مستندسازی کامل جلسات بحث گروهی از طریق کلیه ابزارهای نوشتاری و الکترونیکی.
 - ۱۰- تهیه قالب لازم برای گزارش نتایج بحث‌های متمرکز. در بهترین شیوه، جلسات باید به صورت کارگاه تشکیل شود. لیکن این امر در سکونتگاه‌های غیررسمی نیاز به وقت و دقت بیشتری دارد. از سوی دیگر به موضوع بحث بستگی بیشتری دارد.
 - ۱۱- پیرایش محتوایی و استخراج نتایج دسته‌بندی شده از بحث در راستای اهداف کار.
 - ۱۲- استفاده از نتایج بحث‌های گروهی متمرکز در تدوین راهبردها و برنامه‌ها برای اجتماع محلی.
 - ۱۳- تدوین گزارش نهایی
 - ۱۴- ارزیابی تأثیر نتایج گروه‌های بحث متمرکز در برنامه‌ها.
- در برگزاری جلسات بحث، مهم‌ترین مواردی که به کار گرفته می‌شوند، عبارتند از:
- ۱- زمان برگزاری و مکان برگزاری جلسه
- زمان برگزاری جلسات برای حضور تعداد افراد مورد نیاز بسیار مهم است. لذا بیشتر جلسات در زمانی که مردم محله از سرکار برگشته‌اند و زنان وقت آزاد بیشتری دارند انتخاب می‌شود. خانه‌های بهداشت، مساجد و فضاهای مذهبی، مدارس و سایر اماکن عمومی در فقدان خانه‌های دارای فضای کافی در محله، مکان‌های مناسبی برای برگزاری جلسات بحث هستند.
- ۲- اندازه گروه و تعداد گروه‌ها و تقسیم‌بندی خرده گروه‌ها
- اندازه گروه برای ممانعت از شلوغ شدن و مباحث پراکنده و از سویی دیگر جهت کفایت نمودن پاسخگویی‌ها، از ۱ الی ۲ گروه مردان و زنان تشکیل می‌شود. تعداد ۸ الی ۱۲ نفر حد متعادل شرکت‌کنندگان است و بیشتر بودن به معنی بهتر شدن نتایج نیست.
- ۳- تنوع سنی، جنسی، تحصیلی و شغلی گروه
- جهت اطلاع از مسائل، نظرات و پیشنهادهای ساکنان، از بین مردان و زنان افراد با رده‌های سنی و تحصیلی و شغلی متفاوت در جلسات حضور می‌یابند. باید امکان برگزاری بحث با کودکان و نوجوانان به تفکیک جنسی فراهم شود. حتی سالمندان هم نیازهای ویژه‌ای دارند که باید آن را شنید و منعکس نمود؛ اما این تنوع به معنای درهم‌ریختگی و ترکیبی از گروه‌های ناهمگن نیست.

۴- محل سکونت گروه

برای پیشگیری از تعمیم مشکلات یک نقطه از محله به تمامی محله و نیز اطلاع از مشکلات کل محله تلاش می‌گردد تا از نقاط مختلف محله از افراد برای تشکیل گروه‌ها دعوت به عمل آید.

۵- عدم وابستگی قومی، اداری و سیاسی شرکت‌کنندگان

در بحث‌های گروهی متمرکز تلاش می‌گردد تا تنوع و دربرگیرندگی اجتماعی در نظر گرفته شود و درعین‌حال تلاش می‌شود تا گروهی بدون وابستگی به نهادها و یا تشکیلات خاص، گرد هم آمده باشند.

۶- نوع پرسش‌ها

نوع پرسش‌ها با توجه به نیازها و همچنین موضوعات کلیدی در نظر گرفته می‌شود.

۷- زمان

زمان پاسخگویی به پرسش‌ها و پاسخ‌ها، طوری تنظیم می‌شود که وقت کافی برای صحبت تمامی شرکت‌کنندگان مایل به سخنرانی اختصاص یابد. هر فردی از گروه، باید امکان بیان آزادانه نظرات موافق و مخالف را داشته باشد. نباید به افرادی که باانگیزه‌های برهم‌زنی در جلسات حاضر شده‌اند، مجال انحراف بحث‌ها را داد و باید از نیروی بحث جمعی برای ممانعت از شکل‌گیری بحث‌های مفروضانه فردی، استفاده نمود. باید توجه داشت که اگر زمان بحث بیش از حد طولانی باشد، افراد پراکنده می‌شوند. از سوی دیگر نباید بحث‌ها را محدود به افرادی خاص نمود. زمان مناسب برای جلسات، یک ساعت تا یک و نیم ساعت است. جلسات با در نظر گرفتن موارد ذیل برگزار می‌شود:

۱. هماهنگی با مسئولان امنیت شهری و محله‌ای.
۲. اطلاع‌رسانی قبلی و شفاف‌سازی موضوع به شرکت‌کنندگان.
۳. تشریح هدف و دلایل تشکیل جلسات بحث گروهی متمرکز.
۴. روشن نمودن وظایف و به تبع آن انتظارات و توقعات از گروه.
۵. اعتمادسازی برای انعکاس مطلوب نتایج به متولیان امر.
۶. یادداشت و مستندسازی کلیه موارد طرح‌شده.
۷. تشریح اهمیت مشارکت گروه در توسعه محله سکونت و شرایط زیست آنها.
۸. سایر پیش‌زمینه‌ها.



شکل ۲: فرآیند کاربرد روش بحث گروهی متمرکز در مطالعات نواحی نابسامان شهری

در پژوهش‌های مرتبط با سکونتگاه غیررسمی و اجتماع محلی^{۱۱} استفاده از فنون مصاحبه و بحث جمعی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا از روش‌های کوتاه و موثری برای ارزیابی و بررسی مسائل بهره گیرد.

^{۱۱} - Community Development Planning

۳-۳- مزایای روش بحث‌های گروهی متمرکز

اگر چه در نهایت همچون بسیاری از روش‌های کیفی و کمی، ضعف‌هایی در روش بحث‌های گروهی متمرکز وجود دارد، لیکن جنبه‌های مثبت این روش، آن را به عنوان یک روش ساده، مناسب و کاربردی معرفی کرده است:

۱. امکان گفتگوی عمیق با گروه مشخص و کوچکی از اجتماع محلی در چند موضوع خاص را فراهم می‌سازد.
 ۲. امکان تمرکز افراد و شرکت‌کنندگان بر موضوعات خاص و تفکر درباره حل مسائل مربوط به آن را فراهم می‌نماید.
 ۳. گفتگوها، تعاملی، چندسویه و چهره به چهره و فراتر از یک مصاحبه یک سویه عمیق است. از این منظر، کمتر حس غریبگی و ترس وجود دارد و اطمینان بیشتری برای گفتگوهای آزاد وجود دارد.
 ۴. از آنجایی که روش، تعاملی است، لذا به مدیر جلسه که اغلب یک پژوهش‌گر است امکان می‌دهد تا بر اساس اهداف از پیش تعیین شده، بحث را در محورهای خاص هدایت کند و هم‌چنین از تسهیلگرانی برای کمک به نتایج بهتر یاری گیرد.
 ۵. به این دلیل که شرکت‌کنندگان معمولاً از یک جامعه آماری همگون شرکت می‌کنند، اغلب دارای دغدغه‌ها و مسائل مشترکی هستند و این موضوع به تحقق نتایج بهتر بحث کمک می‌کند.
 ۶. به این خاطر که جمعی را از یک جامعه که در ارتباط مستقیم با مسائل مشترک هستند گرد هم می‌آورد، لذا بهتر از روش‌های اثبات‌گرایانه و فرم‌گونه مانند پرسشنامه، بحث‌های مشترک را به عنوان یک چالش کلیدی منعکس می‌کند. آنها به شوخی و جدی تلاش می‌کنند تا تیتیر اصلی مسائل خود را بازگو کنند.
 ۷. در این روش پژوهشگر، فرصت ورود به مسائل هنجاری را پیدا می‌کند که از طریق سایر روش‌های خشک، امکان‌پذیر نبود و یا به سادگی دست‌یافتنی نبود.
 ۸. همانند پخش زنده یک مناظره تلویزیونی، می‌توانید در قبال مجهول‌ها و معلول‌ها، پاسخ‌های متعددی را دریافت کنید. جنبه‌های مختلفی از دلایل مسائل مختلف در همان جا پاسخ داده می‌شوند و به سلسله‌ای از پرسش‌ها چندگانه با دلایل گویا دست می‌یابید.
 ۹. در این روش می‌توان به دلایل تناقض بین یک برنامه و واقعیت پاسخ‌های مناسبی یافت. برای مثال در روش‌های پرسشنامه‌ای مردم به شما پاسخ می‌دهند که باز یافت زباله در مبدأ، کار پسندیده‌ای است؛ اما در عمل متوجه می‌شویم که همان مردم خودشان این کار را انجام نمی‌دهند. پاسخ به این تناقضات در روش بحث گروهی، روشن‌تر و مشخص‌تر است.
 ۱۰. بحث گروهی متمرکز، امکان بیان تجارب گروهی یا فردی شرکت‌کنندگان از مسائل مشترک را، فراهم می‌سازد. فرصتی که در روش‌های کمی از پیمایش‌های اجتماعی کمتر در اختیار آنها گذاشته می‌شود.
 ۱۱. بحث گروهی متمرکز می‌تواند ابعاد جدیدی را برای بررسی بیشتر پیش‌روی پژوهشگر قرار دهد که پیش‌ازین در مورد آن مسئله، اندیشه‌ای نشده بود.
- اهداف مشخص، نیاز محدود به نیروی انسانی در پژوهش، امکان کنترل بر جو حاکم بر جلسات، مشارکت‌جویی، انعطاف‌پذیری در بحث، امکان کنترل بر زمان، سهولت تحلیل، از مهم‌ترین مزیت‌های دیگر در این روش هستند (Byers and Wilcox:1991).

۳-۴- کاستی‌های روش بحث‌های گروهی متمرکز

۱. هزینه‌های برگزاری جلسات به ویژه اگر در چند نوبت و برای گروه‌های متعددی برگزار شود، افزایش می‌یابد؛ اما به اندازه سایر روش‌ها در مقیاس گسترده، هزینه ندارد. بیشتر هزینه‌ها مربوط به نیروی تخصصی فعال در پژوهش و تسهیلگری است.
۲. هماهنگی زمانی، مکانی و انتخاب گروه‌های همگن کاری دشوار است.
۳. امکان اینکه دیگران تحت تأثیر بحث‌ها و نظرات سایرین قرار گیرند بیشتر است.
۴. امکان تعمیم نتایج به دست آمده به جامعه آماری بزرگ‌تر وجود ندارد.
۵. امکان طرح مسئله و پاسخ به پرسش‌ها جزئی پژوهش در این روش وجود ندارد.
۶. در مقایسه با مصاحبه‌های فردی، در میان جمع سخن گفتن به ویژه در مورد مسائل غیرمشترک برای اعضای شرکت‌کننده که تعدادی غریبه هم اطراف آن را گرفته است، دشوار است.

۷. برای بحث تمامی اعضای شرکت‌کننده، محدودیت زمانی وجود دارد که خود در نتایج و پاسخ‌ها اثر می‌گذارد.
۸. این روش امکان استفاده از تحلیل‌های آماری برای جامعه آماری را نمی‌دهد و تحلیل آن اگر بخواهیم به نتایج مناسب دست یابیم نیاز به تحلیل ذهنی قوی دارد و کیفیت اطلاعات و نتایج به مهارت گردانندگان جلسات بستگی دارد.
۹. گروه بحث متمرکز در قبال همه اهداف یک پژوهش نمی‌تواند پاسخ گو باشد. چرا که در بیشتر موارد صورت و سیمایی از مسائل را پیش رو می‌گذارد و نه عمق موضوعات را. برای مثال در پژوهش‌های فقر اجتماع محلی تنها اتکای به بحث‌های گروهی نمی‌تواند درک درستی از وضعیت فقر را نمایان سازد.
۱۰. این روش نمی‌تواند گویای مسائل ناشنویان و یا افراد معلول ذهنی باشد.

۳-۵- بایدها و نبایدها در روش بحث‌های گروهی متمرکز

برگزاری جلسات بحث گروهی و رسیدن به نتایج مطلوب، خود یک هنر در پژوهش‌های اجتماعی است؛ زیرا کوچک‌ترین تصمیم، اشتباه، سخن و یا حرکتی نا اندیشیده، می‌تواند نتایج منفی در بحث و یافته‌ها به همراه داشته باشد.

۱. **صمیمانه آری، افراطی نه:** رعایت شئون اخلاقی، توجه به شخصیت افراد، ارزش‌های اجتماعی گروه و جامعه آنها، عدم ورود به حریم شخصی افراد و تجسس در زندگی و اعتقادات، نژاد، مذهب و کیش آنها از مهم‌ترین اصول اخلاقی یک فرآیند بحث گروهی متمرکز است. همان‌گونه که در علوم اجتماعی اخلاق‌گرایی به عنوان یک مکتب شناخته می‌شود.

۲. **منعطف آری، استاندارد نه:** نباید فهرستی از استانداردها، جداول، پرسش‌ها و قالب‌های از قبل طراحی شده را بدون مقدمه و طرح مسئله در پیش روی گروه قرارداد. لازم است مستندات توسط تسهیلگران تکمیل شوند و تمامی توجه مسئول برگزاری جلسات به سمت افراد و هدایت بحث‌ها باشد. همچنین نباید محیط خشک، خسته‌کننده و آموزش‌گونه را بر بحث حاکم ساخت. این مسئله به فشار روانی و یا پنهان نمودن مسائل خواهد انجامید. بحث باید چندسویه باشد و همچنین ممکن هست در هنگام بحث، مسائلی طرح شود که در فهرست پرسش‌های شما قرار ندارند.

۳. **بینش آری، قانون نه:** اگر چه بحث‌های گروهی متمرکز بینش‌ها و دیدگاه‌ها و مسائل اکتشاف نشده نوینی را معرفی می‌نمایند، لیکن نمی‌توان صرفاً به یافته‌های آن متکی بود و از روش‌های آماری و پیمایشی و یا نظریه‌ای صرف نظر کرد. در واقع نتایج بحث‌های گروهی تنها بخشی از مسائل اجتماع و جامعه آماری خواهد بود. به طور روشن این روش قدرت کافی برای تعمیم مسائل به کل جامعه آماری را ندارد و نمی‌توان نتایج آن را به کل محله تعمیم داده و به شکل قانون، صادر کرد.

۴. **همگونی آری، تنوع نه:** استفاده از نظرات افراد و گروه‌ها در طیف گسترده می‌تواند به یافته‌های بحث کمک کند. لیکن این موضوع به مفهوم دخالت دادن انواع سلیقه‌ها و نظرات و بحث‌های گوناگون نیست؛ زیرا نظرات پراکنده می‌تواند گروه را از اهداف مشترکی که در ابتدا مطرح بود، دور نماید و به نتایج بدون ثمری منتهی شود. این مسئله در نواحی نابسامان شهری بسیار تکرار می‌شود و گاهی جلسات بحث را از کنترل خارج و بحث را به بیراهه می‌برد. لذا دسته‌بندی درست از گروه‌ها و نوع بیان پرسش‌ها و بحث‌ها مهم هستند.

۵. **کلمات آری، اعداد نه:** در بحث‌های گروهی متمرکز این الفاظ و لغات هستند که به یافته‌ها منتهی می‌شوند. همان‌گونه که در روش‌های کمی، آمار و اعداد بیانگر مسائل هستند. در بیشتر موارد در نواحی نابسامان شهری افراد اعدادی را بر زبان می‌آورند که در واقعیت چنین نیست. برای مثال وقتی از فردی تحصیل‌نکرده می‌پرسیم، جمعیت محله چقدر است، می‌گوید خیلی زیاد، شاید ۵۰ هزار یا ۱۰۰ هزار نفر. درحالی‌که جمعیت محله کمتر از ۱۰ هزار نفر است. از این رو چشم‌انداز و الگو را در بحث‌های گروهی متمرکز، کلمات و واژگان کلیدی ترسیم می‌نمایند.

۶. **ابداع آری، سلیقه نه:** در بحث‌های گروهی می‌توان از خلاقیت و نوآوری افراد و تسهیلگران سود جست؛ اما نباید در دریافت و یا انعکاس نظر گروه، اعمال تغییرات محتوایی و اعمال سلیقه فردی و شخصی نمود. در این صورت با خطر جدی نادرستی نظرات اجتماع محلی مواجه خواهیم بود.

۷. **پاسخ آری، مناقشه نه:** باید به پرسش‌های شنوندگان پاسخ و به نظرات آنها احترام گذاشت. باید شنونده خوبی بود؛ اما نباید در این پرسش‌ها بحث را به مناقشه کشاند؛ زیرا تسهیلگران و مشاوران مسئولیتی در قبال مسائل ندارند و همچنین اختیاری برای تصمیمات نهایی ندارند. لذا باید

هنرمندانه از جلسات بحث گروهی، استفاده فکری به عمل آورد. نباید بحث‌های دوسویه راه انداخت و بحث را به جدال کشاند. در مواقعی اگر بحث‌ها را بسیار آزادانه رها نمود، در آن صورت شما نخواهید توانست به پاسخ‌های کلیه پرسش‌های خود برسید. از این رو، اگر چه نباید جلسات خشک و رسمی باشد، ولی نباید به قدری پراکنده باشد که نتوانید به پاسخ پرسش‌های خود دست یابید.

۸. **اعتماد آری، زودباوری نه:** در بسیاری موارد، در سکونتگاه‌های غیررسمی، افراد به باور اینکه قرار است حمایتی مادی صورت بگیرد، سخنانی خلاف واقعیت طرح می‌کنند که بیشتر بر اساس نفوذ فکری افرادی ذی‌نفع در اذهان آنها است. برای مثال با این باور که قرار است مسکن و یا وامی بلاعوض داده شود، مسائل را بسیار وخیم‌تر از آنچه که هست نمایش می‌دهند. در این گونه موارد باید مطالب را با دقت بیشتر و روش‌های میدانی، مصاحبه‌ها و بحث‌های کارشناسی پیگیری نمود.

نکته نهایی اینکه باید در استفاده از ابزارها، رفتارها و حرکاتی که تمرکز افراد را به هم می‌زند، دوری نمود. بهترین نتیجه زمانی به دست خواهد آمد که کلیه شرکت‌کنندگان در بحث شرکت نموده باشند و نظرشان مهم تلقی شود. همچنین مستندسازی باید به گونه‌ای انجام شود که به تدوین گزارش‌های نهایی مناسب بیانجامد. اگر جلساتی به بهترین نحو برگزار شود، لیکن گزارش خوبی از آن بیرون نیاید، در واقع به این معنی است که جلساتی برگزار نشده است. برای مثال: اگر صداها و تصاویر باکیفیت مناسب ضبط نشود، به کار گزارش شما آسیب زده است.

۴- الگوی تدوین گزارش در روش بحث‌های گروهی متمرکز

برای رسیدن به اهداف مطالعات ساماندهی نواحی نابسامان شهری که بخشی از آن به انعکاس مسائل اجتماع محلی و سکونتگاه‌ها بازمی‌گردد نیاز است تا گزارش شایسته‌ای تهیه و به نهادهای مسئول منعکس گردد. ساختار گزارش یک بحث گروهی متمرکز به طور کل می‌تواند شامل بخش‌های ذیل باشد:



۱. مقدمه و طرح مسئله
۲. روش‌شناسی و معرفی فرآیند برگزاری بحث گروهی
۳. بیان اهداف بحث گروهی
۴. پرسش‌های طرح‌شده
۵. پاسخ‌های ارائه‌شده
۶. سایر بحث‌های مهم
۷. تجزیه و تحلیل و آزمون یافته‌ها
۸. اولویت‌بندی یافته‌ها
۹. تدوین، دسته‌بندی و استخراج نتایج
۱۰. پیشنهادهایی برای کاربرد نتایج
۱۱. انطباق نتایج با پرسش‌ها و اهداف بحث
۱۲. تدوین گزارش نهایی.
۱۳. ارائه اسناد پشتیبان و پیوست‌ها

استفاده از عکس‌ها، نقشه‌ها و نتایج مصاحبه‌های عمقی به تدوین گزارش بهتر در این مورد کمک موثری خواهد نمود. پیشنهاد نتایج برای تدوین راهبردهای کلان در برنامه و تأثیر دادن یافته‌ها در پروژه‌های عملیاتی و اجرایی، بخشی کامل‌کننده برای گرفتن نتایج مطلوب از جلسات بحث گروهی است.

قاب ۱: تجاربی از شهرهای ایران

برگزاری جلسات بحث‌های گروهی همواره با مسائل، چالش‌ها و اضطراب‌هایی همراه است. برخی از تجارب را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- ۱- هماهنگ نمودن مردم برای برگزاری جلسات بحث گروهی، نیاز به حوصله و دقت دارد. به ویژه اگر قرار باشد به مردم این آگاهی را منتقل نمایید که قرار نیست در کوتاه‌مدت و از طریق تزریق و حمایت پولی مشکلات آنها را بر طرف نمایید.
- ۲- در هنگام برگزاری جلسات بحث گروهی، مسئله امنیت گروه و آزادی بیان آنها و محرمانه بودن اطلاعات آنها به ویژه زمانی که از مشکلات شخصی صحبت می‌کنند، اهمیت زیادی دارد.
- ۳- اجتماع محلی بعد از قرار گرفتن در واقعیت بحث و پی بردن به اینکه تسهیلگران و مشاوران تنها نقش اطلاع‌رسانی دارند، مایوس می‌شوند؛ زیرا انتظار آنها و درک آنها حل آنی مشکلات است، آن هم با روش‌های پولی و مادی و اگر برایشان جذاب نباشد صحنه را ترک می‌کنند. دسته‌ای که باقی می‌مانند، دغدغه‌هایی دارند که بیش از مسائل مالی است.
- ۴- اگر جلسات بحث‌های گروهی به خوبی برگزار شد و منتهی به گزارشی شد و حتی نتایج هم در برنامه‌ها گنجانده شد، اما هنوز فاصله زیادی بین مردم و اجرای برنامه‌ها وجود دارد. این فاصله بیانگر عدم کارایی روش‌های مرسوم در اجرای طرح‌های ساماندهی‌اند.
- ۵- بعد از گذشت ماه‌ها و سال‌ها، هیچ مسئولی قدمی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌هایی که حتی از درون صحبت‌های مردم بیرون آمده است بر نمی‌دارد؛ بنابراین نباید فرض کرد که روش، روش غلطی است. بلکه مسائل و مشکلات موجود در این محلات در کوتاه‌مدت حل شدنی نیست و نیازمند تفکر راهبردی و ساز و کارهای نهادی پایدار است.



شکل ۳- نمونه‌ای از جلسات بحث در مسجد محله یکی از محلات شهر اهواز.



شکل ۴- نمونه‌ای از جلسات بحث، در یکی از محلات شهر بندرامام خمینی.

مأخذ: مهندسان مشاور آمایش و توسعه البرز، ۱۳۹۲.

قاب ۲- نمونه‌ای از یک کار برگ بحث‌های گروهی متمرکز

نام پژوهش یا طرح:	
نام مستندساز:	شناسه تشخیص گروه:
مکان برگزاری:	موضوع بحث گروهی متمرکز:
زمان برگزاری:	تعداد شرکت کنندگان:
	نام تسهیلگر:
پاسخها (ذکر نام پاسخ دهنده):	پرسشها:

به طور خلاصه فرآیند برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز در نواحی نابسامان شهری را می توان در نمودار ذیل منعکس نمود:

شکل ۵- فرآیند برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز در نواحی نابسامان شهری



هدف نهایی بحث‌های گروهی متمرکز، به‌تنهایی تهیه گزارش نیست و بلکه باید نتایج نهایی تفسیر، تحلیل، استخراج و دسته‌بندی شود و در تدوین برنامه‌ها ساماندهی سکونتگاه و توسعه اجتماع محلی به کار رود. چه بسا که لازم است با تمامی عناصر موثر در فرآیند توسعه این محلات، جلسات بحث‌های گروهی برگزار شود.

در نهایت اعتبار «بحث گروهی متمرکز» قابلیت استفاده آن در تعریف برنامه‌های توسعه محله‌ای است. تمامی تلاش‌ها به این خاطر است که نتایج در برنامه‌های اجرایی نهادهای متولی منعکس شده و اثربخش باشد.

۵- نتیجه‌گیری

روش بحث‌های گروهی متمرکز، از روش‌های کیفی پژوهش است. در این روش طبق برنامه‌ریزی قبلی، جلساتی با گروه‌های دعوت‌شده برای بحث، حول موضوعاتی ویژه برای بررسی مسائل محلات نابسامان و غیررسمی برگزار می‌شود. نتایج بحث‌های انجام‌شده باید انعکاس و تأثیری در تغییر وضعیت و کیفیت زندگی اجتماع محلی در سکونتگاه‌های غیررسمی در مدت زمانی معین داشته باشد و نظرات اجتماع محلی را در برنامه‌ها منعکس نماید؛ اما تجارب مختلف بیانگر این مسئله است که باوجود کارآمدی این روش در کشف و انعکاس مسائل اجتماع محلی، هنوز فاصله عمیقی برای عملیاتی شدن نتایج بحث‌ها و اثرات آن در برنامه‌ها وجود دارد. بخشی از مسئله در ناهماهنگی‌های بین سیاست‌های ملی و محلی و نیز عدم تعهد و خواست سیاسی و نیز محدودیت‌های مالی برای حل مشکلات این نواحی در سطوح محلی، ریشه دارد. بین مطالعه و اجرای برنامه‌ها در اثر عدم تعهد و مسؤولیت برخی از نهادهای مدیریت شهری، محدودیت شهرداری‌ها و نیز عدم سرمایه‌گذاری در این نواحی و یا تخصیص نادرست آنها، فاصله وجود دارد. علاوه بر تشکیلات دولتی موجود در حمایت و هدایت ساماندهی نواحی نابسامان شهری، این محلات نیازمند وجود برنامه‌های بلندمدت، راهبردی، مستقل از سلیقه‌های مدیران شهری و دور از طمع برخی از افراد و شرکت‌های خصوصی‌اند. این محلات نیاز به تشکیلاتی مستقل مانند شهرداری یا دفاتر توسعه اجتماع محلی دارند. میان سطوح مختلف برنامه‌ریزی و توسعه در مقیاس محله‌ای نیاز به ساختارهای اجتماع‌محور وجود دارد. با دامنه وسیعی از اقدامات در سطح محلی و برخوردار از پشتوانه‌های مالی، فنی و سیاسی. به خاطر داشته باشیم که هدف استقرار اداراتی رسمی برای برخورد با اجتماع محلی نیست و بلکه بر عکس هدف اصلی حمایت از منافع اجتماع محلی و توسعه بلندمدت محله در انطباق با طرح‌های توسعه در مقیاس کلان‌تر است. نیاز است تا جلسات بحث گروهی با مردم در خانه‌ها یا دفاتر محله تداوم داشته باشد و این امر نیازمند حضور مشاوران و تسهیلگران متخصص و فعال در دفاتر محلی است که تحت حمایت مردم، شهرداری‌ها و شوراهای شهر و دیگر نهادها، به طور مستمر، توسعه محلات را پیش کنند. به ویژه آنکه خوشه‌ها و گروه‌های فقر شناسایی و برای توانمندسازی و ارتقای وضعیت زندگی آنها اقدامات پایه‌ای انجام گیرد (بهبود مسکن، آموزش، اعتبارات خرد و سایر حمایت‌ها). باید ایمان داشت که شهروندان و شهرها، ثروت‌های واقعی هستند و بهبود فضای زندگی و ایمنی سکونت آنها و محیط زندگی و دارایی آنها در اولویت قرار دارد و باید سرمایه‌ها و بیش از آن تفکر ملی را به سمت توسعه مطلوب آنها هدایت نمود.

تشکر و قدردانی

این نوشتار براساس تجاربی است که در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۲ طی همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی (سابق)، بانک جهانی، مهندسان مشاور کاوش معماری، مشاور آمایش و توسعه البرز و شهرداری تهران به عنوان کارشناس طرح یا مدیر پروژه به خصوص در مطالعات سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای چابهار، کنارک، برازجان، اهواز و بندرامام خمینی^(۹) به دست آمده است. لذا از نهادهای نامبرده سپاسگزاری می‌شود.

مراجع

- ۱- آمایش و توسعه البرز، مهندسان مشاور (۱۳۹۰)، «مطالعات ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر برازجان». کارفرما وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۲- آمایش و توسعه البرز، مهندسان مشاور (۱۳۹۲)، «مطالعات اسکان مجدد و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای خوزستان (اهواز و سریندرامام خمینی)». کارفرما وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (در حال انجام).
- ۳- کاوش، معماری (۱۳۸۸)، «مطالعات ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای کنارک و چابهار». کارفرما وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۴- رفیعیان، مجتبی. توکلی، مرتضی. هودسنی، هانیه (۱۳۸۵)، «کاربرد متدولوژی گروه‌های بحث در پژوهش توانمندسازی محلات غیررسمی شهری». در: نشریه هنرهای زیبا، انتشارات دانشگاه تهران؛ گروه هنر و شهرسازی، شماره ۲۶، تابستان. صص ۴۷ الی ۵۶.
- ۵- نوروزی جوینانی، سعید (۱۳۸۸)، «بحث گروهی متمرکز: مبانی، فرآیند، تحلیل». ترجمه و تألیف. تهران، انتشارات دانژه، ۱۵۵ صفحه.
- 6- Liamputtong, Pranee (2011). *Focus Group Methodology: Principle and Practice*. SAGE Publications, 224 pages.
- 7- Byers, P. Y. Wilcox, J. R. (1991). *Focus Groups: A Qualitative Opportunity for Researchers*. Journal of business Communication. Pp: 63-79.

